

Soft power and Internationalization of Higher Education in the Light of Promoting the Status of Public Diplomacy and Foreign Policy

Morteza. Esmaeili^{1*}  Mozaffar. Hasanvand²  Maryam. Mazaheri³ 

1 Assistant Professor, Department of Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran

2 Graduated in Political Science from Shiraz University, Shiraz, Iran

3 Master's Student in Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran

* Corresponding author email address: esmaeili2017@shirazu.ac.ir

Article Info

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Esmaeili, M., Hasanvand, M., & Mazaheri, M. (2025). Soft power and Internationalization of Higher Education in the Light of Promoting the Status of Public Diplomacy and Foreign Policy. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 31(1), 60-76.



© 2025 the authors. Published by Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

ABSTRACT

Power has a multi-faceted, multi-level, complex and, of course, changing concept, and its semantic structure has changed from "hard" to "soft". With the trend of the international system towards a more multipolar world in the current decade (of course, with a fragile nature and with the relative superiority of the United States), soft power gained a greater share in the equations of the international system. The main goal of this research is to investigate the international position of higher education in foreign policy and its role in the soft power of countries in the present era. In this regard, considering the new theoretical foundations of soft power in foreign policy and descriptive-explanatory method, this question and multi-level and complementary objectives have been evaluated by examining the meaning of the soft power of the higher education system and its two-way relationship with public diplomacy, What is the position and importance of the higher education system (university) as national capability and capacity in foreign policy? In response to this hypothesis, it is detailed that, higher education system is a cultural, value and social manifestation of soft power and with diversification in foreign policy, internationalization of higher education with the aim of inclining public opinion in the target countries to the goals and national interests of the implementing country in the framework of public diplomacy, it puts the capacities and abilities of the country's higher education at the disposal of the foreign policy apparatus and the realization of national interests. The findings of the research show that, there is a deep connection between soft power, public diplomacy and foreign policy and actors have succeeded in diversifying in the field of foreign policy. The official and unofficial actors of soft power are different and the most common of them include the higher education system, actors in the field of culture and sports, the media and activists in the field of economy. The higher education system, as one of the agents of soft power, has a mainly socio-cultural nature and it is the manifestation of the will of nations in foreign policy and different and similar experiences of countries indicate a tight and complex competition. On the other hand, the internationalization of higher education has made its capacities and abilities available to the foreign policy apparatus and the realization of national interests which has been neglected in Iran's foreign policy.

Keywords: soft power, public diplomacy, foreign policy, higher education, internationalization.



قدرت نرم و بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در پرتو ارتقای جایگاه دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی

مرتضی اسمعیلی^{۱*}، مظفر حسنونند^۲، مریم مظاهری^۳

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲. دانش آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

*ایمیل نویسنده مسئول: esmaeili2017@shirazu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله

پژوهشی اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

اسمعیلی، مرتضی، حسنونند، مظفر، و مظاهری، مریم. (۱۴۰۴). قدرت نرم و بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در پرتو ارتقای جایگاه دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۳۱(۱)، ۶۰-۷۶.



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

قدرت، مفهومی چندوجهی، چندسطحی، پیچیده و البته متحول و متغیر دارد و ساخت معنایی آن از ماهیت «سخت» به «نرم» دگرگون شده است. با گرایش سیستم بین‌الملل به جهانی چندقطبی‌تر در دهه حاضر (البته با ماهیتی شکننده و با برتری نسبی ایالات متحده)، قدرت نرم سهم بیشتری در معادلات نظام بین‌الملل پیدا کرد. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی جایگاه بین‌المللی آموزش عالی در سیاست خارجی و نقش آن در قدرت نرم کشورها در دوران حاضر است. در این راستا، با عنایت به مبادی تئوریک نوین قدرت نرم در سیاست خارجی و با روش توصیفی-تبیینی، این پرسش و اهداف چندسطحی و مکمل مورد ارزیابی قرار گرفته است که با بررسی معنایی قدرت نرم نظام آموزش عالی و ارتباط دوسویه آن با دیپلماسی عمومی، جایگاه و اهمیت نظام آموزش عالی (دانشگاه) به مثابه توانمندی و ظرفیت ملی در سیاست خارجی چگونه است؟ در پاسخ این فرضیه مفصل‌بندی شده است که، نظام آموزش عالی تجلی فرهنگی، ارزشی و اجتماعی قدرت نرم است و با تنوع‌سازی در سیاست خارجی، بین‌المللی‌سازی آموزش عالی با هدف متمایل نمودن افکار عمومی در کشورهای هدف به اهداف و منافع ملی کشور مجری در چارچوب دیپلماسی عمومی، ظرفیت‌ها و توانایی‌های آموزش عالی کشور را در اختیار دستگاه سیاست خارجی و تحقق منافع ملی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که، بین قدرت نرم، دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی ارتباطی عمیق وجود دارد و بازیگران موفق به تنوع‌سازی در عرصه سیاست خارجی اقدام کرده‌اند. بازیگران رسمی و غیررسمی قدرت نرم متفاوت بوده و عمومی‌ترین آن‌ها شامل نظام آموزش عالی، بازیگران عرصه فرهنگ و ورزش، رسانه‌ها و کنشگران عرصه اقتصاد می‌باشند. نظام آموزش عالی به عنوان یکی از کارگزاران قدرت نرم، ماهیتی عمدتاً اجتماعی-فرهنگی دارد و تجلی اراده ملت‌ها در سیاست خارجی است و تجربیات متفاوت و همسوی کشورها نشانگر رقابتی تنگاتنگ و پیچیده است. از سویی نیز، بین‌المللی‌سازی آموزش عالی، ظرفیت‌ها و توانایی‌های آن را در اختیار دستگاه سیاست خارجی و تحقق منافع ملی قرار داده است که در سیاست خارجی ایران مغفول مانده است.

کلیدواژگان: قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، سیاست خارجی، آموزش عالی، بین‌المللی‌سازی.



مقدمه

سپتامبر سال ۱۹۴۳ دانشگاه هاروارد^۱ میزبان سیاستمدار کهنه کار انگلیسی، وینستون چرچیل^۲ بود. او در سخنرانی خود در این دانشگاه، در مورد آینده قدرت‌های جهانی اظهار داشت: «امپراطوری‌های آینده امپراطوری‌های ذهن هستند»^۳ (Axworthy, 2008). او احتمالاً نمی‌توانست تصور کند که در قرن بعدی، این پدیده تا چه اندازه واقعی خواهد بود. با افول نسبی عناصر قوام‌بخش نظریات کلاسیک در پایان دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، به تدریج قدرت نرم مورد توجه بازیگران نظام جهانی قرار گرفت. جوزف نای^۴ مفهوم «قدرت نرم»^۵ را صورت‌بندی کرد. مفهوم قدرت در هزاره‌ی سوم، در همه ابعاد و ماهیت‌ها با دوران پیشین خود در تمایز و تفارق است. بازیگران متفاوت، ابزارهای جدید و اهداف جدید در فضایی پیچیده قرار گرفته‌اند که دیگر نمی‌توان با ابزار دهه‌های پیشین نیز آن را واکاوی و تحلیل کرد. به تعبیر نای (Nye, 2005) سیمای قدرت از جنگ نظامی و اقتصادی به سوی قدرت نرم میل کرده است و فرهنگ و آموزش یکی از مؤثرترین ابزارهای قدرت جدید هستند که نه صرفاً برای تحمیل ایجاد تغییر در سایر کشورها، بلکه برای شکل دادن به دستور کار سیاست جهانی و جذب آن‌ها نیز بسیار مهم می‌باشند. قدرت نرم در حال حاضر در سه سطح با قدرت سخت در تمایز است. نخست، قدرت مختص بازیگران بزرگ و قطب‌های اصلی نخواهد بود. بر این اساس، خرده قدرت‌ها نیز در نظم منطقه‌ای خود می‌توانند در پرتو منافع خود نقش‌آفرینی داشته باشند. در این زمینه می‌توان به دو قدرت کوچک منطقه‌ای قطر و امارات متحده‌ی عربی اشاره داشت. دوم، قدرت نرم ماهیتی مرتبط با ابعاد بین‌الذهانی و ارزشی، هنجاری و عموماً غیر مادی دارد و نیازمند واریسی چندسطحی‌تر است. سوم، نتایج قدرت نرم، ماهیتی میان مدت و مالاً بلندمدت خواهند داشت و رهبران و بازیگران با نگاهی راهبردی به آینده بیشتر تمرکز دارد و لذا نتایج بلندمدت‌تری نیز خواهد داشت. کارگزاران قدرت نرم متناسب با قدرت بازیگران و ساخت نظام بین‌الملل ممکن متفاوت و پیچیده باشد و بسته به سازوکاری است که تئوریزه شده‌اند. برای نمونه، قدرت ایالات متحده با ساخت «لیبرال-دموکراسی» در تناسب است و ارزش‌های آن را بازتاب خواهد داد. در چین، با عنایت به فرهنگ درون‌گرای کنفوسیوسی ریشه‌دار در هنجارهای این جامعه، موضوع متفاوت است و عمدتاً بر محوریت «اقتصاد» قرار گرفته است. در مواردی مانند کشورهای کوچک در قلب اروپا، قدرت نرم در تناسب محوری با منافع راهبردی مکمل با یکدیگر قرار دارند و هدف ارتقای جایگاه منزلت فردی است. مهم‌ترین بازیگران سطح عام قدرت نرم در جوامع متفاوت خواهند بود و بستگی به بنیان‌های دموکراتیک سیاست خارجی و موقعیت راهبردی کشورها یا به عبارتی، نقش اجتماع در سیاست دارد. به طور کلی، بازیگران پذیرفته شده اغلب جوامع در سطح قدرت نرم در سه سطح فرهنگ-ارزش‌ها، اقتصاد و اجتماع دارند. نظام آموزش عالی با محوریت دانشگاه، بازیگران اقتصادی با محوریت کنشگران غیردولتی، رسانه‌ها و محافل ارتباطی، کنشگران ورزشی مانند باشگاه‌های فوتبال و بسیاری دیگر، جزو شناخته‌شده‌ای از قدرت نرم هستند. دانشگاه به واسطه، تجلی راستین تفکر و باورهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر بازیگر، مهم‌ترین بازیگر عرصه قدرت نرم است. با این وجود، دانشگاه در عصر جهانی‌شدن دیگر ماهیت پیشین خود را نخواهد داشت و به تعبیر آلتباخ (Altbach, 2004) دانشگاه در دوره‌ی جهانی‌شدن درگیر افسانه‌ها و واقعیت‌ها شده و آموزش عالی در جهانی نابرابر قرار گرفته است. کارکرد بین‌المللی آموزش عالی و دانشگاه موضوعی تازه و نوین محسوب نمی‌شود. در حکومت‌های باستانی ایران، یونان، چین و برخی دیگر نمونه‌های متعددی از نقش دانشگاه‌های موثر در تثبیت قدرت مشاهده می‌شود. چنانچه مطالعه یانگ، پرداختی به دانشگاه‌های سطح جهانی در گذشته قهرمانانه چین و اهمیت آموزش عالی بین‌المللی را نشان می‌دهد (Yang, 2021). کارکردهای دانشگاه دولتی مالاً شامل ایجاد و انتشار دانش و خدمات عمومی می‌باشد (Budd,

1- Harvard

2- Winston Churchill

3- The Empires of the Future are the Empires of the Mind

4- Joseph Nye

5- Soft Power





(2009). عمق و ماهیت نظام اندیشه‌ای و فکری هر جامعه نیز بر کیفیت و مقدرات قدرت نرم نظام آموزش عالی نیز نقش بسزایی دارد. برای نمونه، در خاورمیانه و شمال آفریقا، کشورهای مصر، ایران و عراق (فارغ از عملیاتی کردن یا اهمیت بدان) دارای قدرت بیشتری نسبت به دیگر کشورها هستند و بخش اصلی این مهم، ریشه در گذشته تاریخی آنهاست. ولی در مقابل ایران به واسطه حفظ ارزش‌های زبانی و هویتی در موقعیت ممتازتری قرار دارد. بسته به ساخت سیاسی-اقتصادی و کلان‌تر از آن، مساله توسعه (در وجه عام)، قدرت نرم دارای بازیگران متفاوتی خواهد بود. برای نمونه، در ایالات متحده، نظام آموزش عالی از بازیگران اصلی ترویج ایده‌های لیبرال-دموکراسی خواهند بود و مقدرات بازیگران به آن‌ها امکان شدیدی برای نقش‌آفرینی خواهند داد. ولی در نمونه‌هایی مانند لهستان و مجارستان، قضیه متفاوت است و تعدد کمی و کیفی بازیگران محدودتر است. دانشگاه در این میدان، عموماً نقشی مشخص و محدود دارد و در رقابت با دیگر کشورها و جذب بیشتر دانشجویان و اهداف فرادستی متناسب با منافع ملی قرار دارد.

مراکز آموزشی ما نیز از این قاعده مستثنا نیست. به‌ویژه با توجه به وجهه انقلاب اسلامی ایران که وجهه‌ای ارزشی، هنجاری و فرهنگی دارد و از جمله پتانسیل‌های عظیم قدرت نرم کشور است. با توجه به پتانسیل بالای مراکز آموزش عالی کشور و نیز وجهه فرهنگی و ارزشی انقلاب اسلامی و لزوم بهبود روزافزون چهره کشور جهت خنثی‌سازی تبلیغات منفی غرب، توجه به نقش آموزش عالی با محوریت دانشگاه‌های معتبر، دیپلماسی عمومی کشور می‌بایستی این نقش را در سیاست خارجی نهادینه و اجرایی کند. باید توجه داشت، که این پژوهش از کاربرد اصطلاحات «دیپلماسی دانش» یا «دیپلماسی علمی» با وجود ارتباط نزدیک با این پژوهش پرهیز کرده است؛ زیرا همه این اصطلاحات را ذیل دیپلماسی عمومی صورت‌بندی می‌کند.

ساختار پژوهش حاضر در سه سطح ترکیبی و از بالا به پایین (از حیث تئوریک) تنظیم شده است. بدین ترتیب که پس از بیان کلیات به ویژه بررسی جستارهای مرتبط تحقیقاتی که نشانگر اهمیت موضوع است به مبادی تئوریک و اندیشه‌ای موضوع پرداخته شده است و این مهم مورد بحث قرار گرفته است که بازیگران مهم در عرصه قدرت نرم به ویژه در ارتباط با سیاست خارجی و سیاست‌گذاری عمومی کدامند. سپس، بحث اصلی مقاله؛ یعنی نظام آموزش عالی مورد بحث قرار گرفته است و این مهم در بحث یافته‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که ماهیت معنای تحقیق حاضر تئوریک و سطح عام می‌باشد و دغدغه اصلی نویسندگان توجه مجریان سیاست داخلی و خارجی به جایگاه نظام آموزش عالی در سیاست در هر دو حوزه درونی و بیرونی می‌باشد بر این اساس، مباحث بر مبنای ضرورت از کشورهای موفق ذکر شده است.

پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش حاضر، قَلت منابع به‌ویژه در منابع فارسی به وضوح مشهود است، ولی مطالعات خارجی متعددی در این زمینه قابل ذکر است. برخی از منابع به بررسی و اثرگذاری آموزش عالی بر قدرت نرم در کشورهای دیگر پرداخته‌اند. یاسوشی و مک‌کانل (Yasushi & McConnell, 2010) در «آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم» با مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده آمریکا، پرداختی چندسویه مبتنی بر نظرات از اندیشمندان مختلف-از جمله جوزف نای^۱- در حوزه اهمیت و تاثیر آموزش عالی بر قدرت نرم دارند. این اثر در دو بخش تدوین شده و در بخش اول به بررسی ارتباط آموزش عالی و فرهنگ عامه با تکیه بر نظریه جوزف نای و قدرت نرم در دو کشور ژاپن و ایالات متحده آمریکا می‌پردازد. نویسندگان دانشگاه را آوردگاه جنگی علمی دانسته که کشورها با تکیه بر آن دیپلماسی عمومی خود را به جلو می‌رانند. بخش دوم نیز بر اهمیت و تاثیرگذاری فرهنگ در قدرت نرم و به طور خاص در مورد عامه مردم پرداخته شده است.

^۱- Joseph Nye

آدویی (Adoui, 2023) در آموزش عالی بین‌المللی و ظهور قدرت نرم به عنوان دیپلماسی فرهنگی: مطالعه تطبیقی مراکش و کره جنوبی^۱ به تاثیرات و اهمیت آموزش عالی بر قدرت نرم یک کشور و نیز تاثیر دانشگاه‌های بین‌المللی بر روابط بین‌الملل پرداخته است. این کتاب که با مطالعه تطبیقی دو کشور کره جنوبی و مراکش انجام شده بر پایه تحقیقات گسترده عوامل اجتماعی، سیاسی اقتصادی موثر بر جایگاه بین‌المللی دانشگاه‌های دو کشور استوار است. در پژوهشی دیگر در مورد ایالات متحده آمریکا، لی (Lee, 2021) در قدرت ایالات متحده را در آموزش عالی بین‌المللی^۲ به بررسی قدرت این کشور در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی پرداخته است و نتایج به درستی نشانگر قدرت و مزیت برتر ایالات متحده آمریکا در این زمینه است.

رودریگز-وارگاس و کالینز (Rodriguez-Vargas & Collins, 2023) با هدف مشاهده انتقادی تأثیر استعمار در سیستم دانشگاه دولتی پورتوریکو^۳ از طریق بررسی مشارکت جامعه توسط اساتید دانشگاه، با استفاده از روش تحقیق کیفی از طریق تحلیل اسنادی اقدام کرده‌اند. تحلیل الگو از طریق سه چارچوب مفهومی انجام شده است: استعمار^۴، وضعیت استثنایی استعماری^۵ و بوم‌شناسی دانش^۶. نتایج نشانگر آنست که تأثیرات چندوجهی استعمار در آموزش عالی برای تغییر شکل و دگرگونی فضاهایی که می‌توانند ساختارهای استعماری را بازتولید کنند یا استعمارزدایی را به وجود آورند، همچنان نیازمند بررسی بیشتر هستند. مؤسسه آموزش عالی مرکزی مجمع الجزایر^۷ دانشگاه پورتوریکو، همچنان دستخوش تغییراتی است که تحت تأثیر بافت اجتماعی-سیاسی آن است. یافته‌ها شامل قطع استعمار توسط اساتید دانشگاه و بازتولید استعمار توسط مدیریت دانشگاه است و این یافته‌ها فضاهای کنونی استعمارزدایی را در آموزش عالی نشان می‌دهد.

نایت (Knight, 2022) در پژوهشی پژوهش نسبتاً نوین با عنوان دیپلماسی دانش در روابط بین‌الملل و آموزش عالی^۸ به بررسی این مسئله می‌پردازد که چرا و چگونه بین‌المللی‌سازی آموزش عالی می‌تواند به تقویت روابط بین‌الملل کمک کند. همچنین تکیه‌ی کتاب بر مفهوم «دیپلماسی دانش» بوده و در واقع اولین کتابی است که این مفهوم را تحلیل نموده و نسبت آن با دیپلماسی عمومی و علمی را روشن می‌سازد. این کتاب با استفاده از گردآوری و تحلیل تجربیات و سازوکارهای کشورهای مختلف در این زمینه، سهم بسیار مهمی در مطالعه دیپلماسی دانش و قدرت نرم و همچنین نمایاندن تاثیر دیپلماسی دانش در پیشبرد روابط دوجانبه یا چندجانبه کشورها دارد. لی (Li, 2018)، استادبار مؤسسه آموزش و توسعه اجتماعی چین، در مفهوم‌سازی قدرت نرم آموزش عالی: جهانی‌شدن و دانشگاه‌ها در چین و جهان^۹ به بررسی روندهای جهانی شدن در آموزش عالی با استفاده از نظریه جوزف نای می‌پردازد. همچنین دیدگاه‌های منحصر به فرد و نوینی درباره مفهوم‌سازی و ترسیم جهانی‌سازی و بین‌المللی‌شدن آموزش عالی فعلی چین ارائه می‌دهد. به علاوه به جز آموزش عالی چین، به آموزش در سطح جهانی نیز توجه داشته و مفاهیم جهانی مثل یادگیری جهانی یا شایستگی جهانی و حتی شهروندی جهانی را مد نظر قرار داده و با عمق بخشیدن به این مفاهیم، بینش‌های تازه‌ای به دانشجویان چینی می‌دهد.

در پژوهش دیگری که مجدداً حول محور آموزش عالی چین است، وو (Wu, 2021) در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی برون‌گرایی چین: گونه‌شناسی جدید و بازتاب‌هایی از دانشجویان بین‌المللی^{۱۰} به مسئله درون‌گرایی یا برون‌گرایی در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی و حرکت

^۱- International Higher Education and the Rise of Soft Power as Cultural Diplomacy: A Comparative Study of Morocco and South Korea

^۲- U.S power in international higher education

^۳- Puerto Rico

^۴- Coloniality

^۵- Colonial State of Exception

^۶- Ecologies of Knowledge

^۷- Central Higher Learning Institution of the Archipelago

^۸- Knowledge Diplomacy in International Relations and Higher Education

^۹- Conceptualizing Soft Power of Higher Education: Globalization and Universities in China and the World

^{۱۰}- China's outward_oriented Higher Education Internationalization: A New Typology and Reflections from International Students

متعادل‌تر چین از یک رویکرد کاملاً درون‌گرا به رویکردی متعادل‌تر اقدام کرده است. نویسنده در سه بعد عمده بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در چین را بررسی کرده و همچنین بازتاب آن برنامه‌ها را برای دانشجویان تحلیل می‌کند. این کتاب با ارائه مثال‌های واقعی بسیار در زمینه بین‌المللی‌سازی آموزش عالی، می‌تواند راهنمای خوبی برای سیاست‌گذاران دولتی و محققان آموزش عالی باشد. هانادا (Handa, 2022) در «آموزش عالی بین‌المللی در دیپلماسی شهروندی به تاثیر و اهمیت آموزش عالی بین‌المللی بر دیپلماسی شهروندی پرداخته و با استفاده از مطالعات تجربی حوزه بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در پنج کشور مختلف بررسی کرده است.

در مطالعه موردی کشورها، می‌توان از پژوهش لومر (Lomer, 2016) درباره بریتانیا با عنوان «قدرت نرم به عنوان یک منطق سیاست برای آموزش بین‌المللی در بریتانیا: یک تحلیل انتقادی»^۱ نام برد. لومر در این پژوهش به بررسی و تحلیل گفتمان‌های حاکم بر دولت بریتانیا درباره دانشجویان بین‌المللی این کشور پرداخته و آن‌ها را نقد می‌کند. با اینکه لومر نمی‌خواهد از ارزش بین‌المللی‌سازی آموزش عالی بکاهد اما بر برخی مفروضات مسلم‌انگاشته شده درباره ارتباط قدرت نرم و آموزش بین‌المللی در بریتانیا نقد دارد. با این حال بررسی نسبتاً جامعی از ارتباط این دو مفهوم و برنامه‌های دولت بریتانیا در این زمینه ارائه می‌دهد.

در بررسی دیگری که درباره کانادا است، تریلوککار (Trilokekar, 2009) در «آموزش بین‌المللی به عنوان قدرت نرم؟ سهم و چالش‌های سیاست خارجی کانادا در بین‌المللی‌شدن آموزش عالی»^۲ به بررسی نقش دولت فدرال کانادا در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی به عنوان یک ابزار سیاست خارجی می‌پردازد. در این پژوهش روابط دولت با دانشگاهیان و جامعه دانشگاهی بررسی شده و این نقد را مطرح کرده است که اهداف کوتاه‌مدت جای اهداف بلندمدت را گرفته است. یافته‌های تریلوککار و المصری (Trilokekar & El Masry, 2022) تحت عنوان «پیوند دیپلماسی عمومی، قدرت نرم و امنیت ملی: مطالعه مقایسه‌ای آموزش بین‌المللی در ایالات متحده و کانادا»^۳ نشان می‌دهد که چگونه آموزش بین‌المللی که به مثابه ابزار مهم دیپلماسی عمومی عمل می‌کند، در دوره نظم ژئوپلیتیک جدید؛ یعنی قدرت‌گیری آسیا، ممکن است تحت تاثیر امنیت ملی کشورها به مخاطره بیفتد و عوامل متعدد آن وارد می‌شوند. البته نویسندگان با بررسی تاریخی و ژئوپلیتیکی تلاش دارند راهکارهایی برای عبور از چالش‌های آموزش بین‌المللی در این دو کشور بیابند و از منظر تطبیقی چالش‌های عمده آموزش بین‌المللی در این دو کشور را مورد مذاقه و ارزیابی قرار دهند.

در پایان قابل ذکر است که ادبیات پژوهشی نسبتاً خوبی درباره دیگر کشورها و سطح جهانی مطرح است اما در مورد سیاست خارجی و قدرت نرم ایران چنین پژوهشی انجام نشده و نقطه اتکای نگارندگان در این پژوهش بر کردن این خلا و بررسی ارتباط آموزش عالی بین‌المللی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است.

چارچوب نظری: قدرت نرم و دیپلماسی عمومی

گالبرایت (Galbraith, 1982) در زمانی که استاد اقتصاد دانشگاه هاروارد بود، این ایده را مطرح کرده است که «بردگی، تنبیه، سرمایه‌داری، تشویق و دموکراسی، اقناع می‌کند». به طور کلی، آنچه امروزه در حوزه سیاست و روابط بین‌الملل اهمیت بسیار یافته، عبارت است از بروز تحول در ماهیت و شکل قدرت که مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل قرار گرفته است. این تغییر رویکرد متضمن بسط مفهوم قدرت و گسترش آن به ابعاد فرانظامی بوده است. بنابراین در این چارچوب، قدرت نرم و رهیافت‌های تئوریک مرتبط با آن مانند هژمونی ملایم یا خیرخواه و رهبری جهانی جایگاه ویژه‌ای می‌یابند. متعاقب این امر، پیرامون اندیشه‌ها و نظریه‌های مطرح شده درباره مفهوم قدرت نرم، باید

^۱- Soft Power as a Policy Rational for International Education in the U.K: A Critical Analysis

^۲- Internationalization Education as a Soft Power? The Contributions and Challenge of Canadian Foreign policy to the Internationalization of Higher Education

^۳- The Nexus of Public Diplomacy, Soft Power and National Security: A Comparative Study of International Education in the U.S and Canada.



توجه داشت که اگرچه واژه قدرت نرم، واژه‌ای جدید در ادبیات سیاسی محسوب می‌شود، ولی تأمل پیرامون بعد نرم قدرت سیاسی ریشه‌ای بس عمیق در سرزمین‌هایی با تاریخ باستانی دارد. همچنین مفاهیم مشابهی نیز پیش از این در اندیشه افراد دیگری مطرح شده بود که شباهت بسیاری با مفهوم قدرت نرم دارند. از جمله این افراد و مفاهیم می‌توان به مواردی چون هژمونی گرامسکی^۱، قدرت نمادین بوردیو^۲، اقتدار وبر^۳، قدرت انضباطی فوکو^۴ و قدرت ارتباطی هابرماس^۵. اما علیرغم این مهم، جریان اصلی دانشمندان حوزه روابط بین‌الملل، توجه اندکی را نسبت به جنبه‌ها و قابلیت‌های غیرمادی قدرت معطوف داشته‌اند.

علیرغم اینکه گفته شده است: «قدرت در سیاست بین‌الملل، همانند آب و هواست که همه درباره آن سخن می‌گویند، اما شمار اندکی از افراد آن را درک می‌کنند» (Nye, 2008a). از آنجایی که باور مشترک ناظران روابط بین‌الملل و آگاهان امور راهبردی آن است که اطلاعات، منبع قدرت است و انقلاب فناوری ارتباطات، این باور را تقویت نموده است (Armistead, 2004)؛ بنابراین می‌توان بر پیام گرامسکی^۶ مبنی بر اینکه «حاکمیت بر انسان‌ها فقط با زور و اجبار امکان‌پذیر نیست، بلکه با عقیده می‌توان بر او حاکمیت کرد» (Bates, 2002) صحنه گذارد. نای معتقد است جهان دارای سه لایه است که کاربرد «قدرت سخت» و اعمال بی‌محابای قدرت نظامی مانع توجه به ظرایف و پیچیدگی‌های آن می‌شود. «قدرت نظامی»، «قدرت اقتصادی» و «فرآیندهای غیردولتی - چندملیتی یا قدرت نرم»، سه لایه‌ای هستند که در دیدگاه نای شطرنج سه وجهی قدرت نامیده می‌شوند. اما باید توجه داشت که، طرح مفهوم شطرنج سه بعدی قدرت و قائل شدن به بعد سوم در کنار ابعاد اقتصادی و نظامی آن، تنها مختص به دهه‌های اخیر و شخص جوزف نای نمی‌باشد. چنانکه در سال ۱۹۳۹، واقع‌گرای بزرگ انگلیسی، ای/چ کار^۷، قدرت بین‌المللی را در سه بخش توصیف می‌کند: نظامی، اقتصادی و قدرت تسلط بر افکار (Carr, 1964).

لذا به نظر می‌رسد که بخش سوم تقسیم‌بندی پیش گفته یادآور بُعدی است که امروزه قدرت نرم نامیده شده است. علاوه بر آثار جوزف نای، از جمله دیگر کتاب‌های نوشته شده در این زمینه، اثری است با عنوان *تسلیمات اختلال جمعی*^۸، نوشته متیو فریزر^۹. در این کتاب نویسنده که خبرنگاری کانادایی است، تلاش دارد تا پیامدهای سیاست خارجی آمریکا که برگرفته از فرهنگ پاپ این کشور می‌باشد را در سطح جهانی مورد ارزیابی قرار دهد. فریزر اشاره می‌کند که قدرت نرم از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد و به مثابه منبع کلیدی استراتژیک در سیاست خارجی ایالات متحده عمل می‌کند (Fraser, 2005).

هارولد لاسول^{۱۰} استدلال کرده است که، قدرت حالت رابطه‌ای پیدا کرده است و همین رابطه و تاثیر بر دیگری بود که هسته مفهومی قدرت را شکل داده است، نه منابع در دسترس چون جمعیت، سرزمین، اقتصاد یا قدرت نظامی. بر همین رابطه، نای قدرت نرم را اینگونه تعریف کرده است: «قدرت نرم توانایی کسب چیزی است که می‌خواهیم، آن هم از طریق جذب نه اجبار» (Nye, 2004). قدرت نرم وجوهی فرهنگی، ارزشی و هنجاری داشته و به مرور بر اهمیت آن افزوده شد. در روزگار جهانی شده‌ای که به تعبیر هنری فارال و آبراهام نیومن بهتر

^۱- Gramsci's Hegemony

^۲- Bourdieu's Symbolic Power

^۳- Weber's authority

^۴- Foucault's Disciplinary Power

^۵- Habermas' Communicative Power

^۶- Gramsci

^۷- E. H. Carr

^۸- Weapons of Mass Distraction

^۹- Matthew Fraser

^{۱۰}- Harold Lasswell



است آن را «جهانی‌شدگی زنجیره‌ای^۱» بنامیم، کشورها بیشتر از هر زمان دیگری در ارتباطات تنگاتنگ، شبکه‌ای و زنجیره‌ای هستند و در این زنجیره کسب اعتبار و حسن شهرت جایگاه ویژه‌ای یافته است.

از سوی دیگر، دیدگاه میشل فوکو در ابژه کردن و سوژه کردن ناظر بر همین بعد از قدرت می‌باشد که با ذهنیت‌سازی همراه است. فوکو در یک جمع‌بندی کلی سه چهره از قدرت یعنی قدرت گفتمانی^۲، قدرت سازمانی یا انضباطی^۳، و قدرت مشرف به حیات^۴ را از هم تفکیک می‌کند. چهره گفتمانی قدرت در نزد فوکو، در واقع همان چهره «هابزی» قدرت، یعنی تمرکز آن در دست حاکمیت است. از نظر فوکو قدرت گفتمانی یا قدرت معطوف به حاکمیت قدرتی است که به جای آنکه بر بدن‌ها و اعمال آن‌ها اعمال شود، بر روی زمین و تولیدات آن اعمال می‌گردد. ویژگی این قدرت این است که به طور مستقیم اعمال شده و از طریق تملک دارایی و ثروت جامعه و مستقل از کنش و واکنش، با پیکره جامعه که ملت را می‌سازد، تداوم می‌یابد. به تعبیری، این قدرت از سوژه به سوژه حرکت می‌کند و رابطه سیاسی سوژه با سوژه را برقرار می‌سازد و از این لحاظ، با قدرت انضباطی متفاوت است که بر عکس، در طبیعت جسمانی به شیوه‌ای فراگیر نفوذ می‌کند.

با توجه به تعریف و مفهوم قدرت نرم، ترویج زبان و ادبیات، ارائه تصویر مثبت و مطلوب از خود، طراحی و اتخاذ سیاست‌های استراتژیک مقبول، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی، مبادلات دانشگاهی و آکادمیک و سرمایه‌گذاری در تربیت نخبگان سایر کشورها، فعالیت‌های آموزشی و آگاهی بخشی، برخورداری از اطلاعات و فن‌آوری‌های روز دنیا، کسب جایگاه و موقعیت علمی پیشرفته، توانمندی اقتصادی بالا، مبادلات تجاری و اقتصادی گسترده در بخش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، قدرت شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، ظرفیت پذیرش توریسم و جذب مهاجر خارجی، برخورداری از شبکه‌های خبری جهان‌گستر و قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای متنوع به کشورها و به زبان‌های مختلف، نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی، التزام به رعایت معاهدات و قراردادهای بین‌المللی، میزبانی کنفرانس‌های بین‌المللی، برگزاری و مشارکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی و غیره از جمله مولفه‌های و نمودهای قدرت نرم به شمار می‌آیند (Eftekhari, 2009). بدیهی است، هر چقدر سطح دستیابی کشور، واحد یا گروهی به این مولفه‌ها یا پاره‌ای از آن‌ها بیشتر باشد، قدرت نرم آن کشور، واحد یا گروه نیز بیشتر می‌باشد و در عین حال راهبرد تلفیق این دو دسته و به عبارتی تلفیق ابعاد سه گانه قدرت - شطرنج سه بعدی قدرت- را نیز وجهه همت خود قرار دهد، قدرت ملی برتری را در اختیار خواهد داشت.

بر همین اساس، در ادامه به بررسی نقش و جایگاه نظام آموزش عالی در سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی در سطح تئوریک پرداخته می‌شود و نمونه‌ها و مصادیق جدید توجه به این سطح از سیاست مورد ارزیابی قرار گرفته است.

تنوع‌سازی بازیگران عرصه سیاست خارجی از رهگذر دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی را می‌توان حاصل سازگاری و انطباق میان اقدامات بازیگران دولتی و غیر دولتی، ارزش‌های سیاست خارجی و اولویت‌های دولت دانست. در دیپلماسی عمومی تاکید زیادی بر ترکیب فعالیتهای بازیگران دولتی و غیر دولتی و بخش خصوصی می‌شود. بخش خصوصی، طیف وسیعی از شرکتها و سازمان‌های غیر دولتی تا افراد و کارشناسان در سطح جهانی را در بر می‌گیرد. بخش قابل توجهی از اطلاعاتی که به ایجاد وجهه یک کشور مربوط می‌شود به کمک ارتباط افراد، شرکتها و سازمانهای غیر دولتی بین‌المللی با جهان خارج ساخته می‌شود و حتی در برخی موارد مخاطبان خارجی، این اطلاعات را با ارزش‌تر از اطلاعات رسمی منتشر شده توسط نهادهای دولتی قلمداد می‌کنند. در این

^۱- Chained Globalization

^۲- Discursive Power

^۳- Disiplinary power

^۴- Bio Power



رابطه شرکت کارشناسان و متخصصان غیردولتی در کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. این بخش، می‌تواند مهم‌ترین عرصه تبادل اطلاعات و عرصه‌ای برای ایجاد تصویری واقعی از یک کشور باشد (Gonesh & Melissen, 2005).

دیپلماسی عمومی به عنوان اصلی‌ترین مولفه قدرت نرم، کارکرد گسترده‌ای می‌تواند در سیاست خارجی داشته باشد و در بعضی مواقع حتی به عنوان موتور پیش برنده سیاست خارجی در حوزه دیپلماسی عمومی، مناسبات فرهنگی، تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی، گسترش اینترنت، ارتباطات علمی، دانشگاهی، دانشجویی و به طور کلی هر آنچه که خارج از کنترل دولتی باشد، جای می‌گیرد. دیپلماسی عمومی در حوزه گسترده تر فرهنگ و ارزش‌ها جای می‌گیرد، و همچنین سازمانهای غیر دولتی نیز می‌توانند مسیر دیپلماسی عمومی را هموار سازند (Nye, 2008b). به طور کلی، عملکرد ادراک عمومی از مسائل سیاست خارجی با این که چگونه نخبگان حاکم از منافع ملی کشورهای خود محافظت و ترویج می‌کنند، در هم تنیده است. حمایت ضمنی مردم خارجی از سیاست خارجی یک کشور منبع قدرت نرم در نظر گرفته می‌شود. (Nye, 2004).

«دیپلماسی عمومی» چارچوبی برای تصمیم گیرندگان کشور فراهم می‌سازد تا با فعالیتهای معطوف به هدف هوشمندانه در داخل و خارج از کشور و استفاده از تمامی ابزارها و قدرت نرم به بهبود قدرت معنوی، افزایش نفوذ، ایجاد جذابیت، اقناع و هدایت افکار عمومی داخل و خارج از کشور بپردازند که برآیند آن افزایش پرستیژ کشور و قدرت چانه زدن و همراه کردن افکار عمومی در داخل و خارج از کشور می‌باشد. بنابراین، دیپلماسی عمومی با استفاده از قدرت نرم و نفوذ در افکار، منافع ملی را در عرصه داخل و خارج محقق می‌سازد. در این چارچوب، دیپلماسی عمومی باید با برنامه‌ای مدون و مشخص و مجریان مسلط به مخاطبان در داخل و خارج ارائه گردد تا منافع کشور را محقق سازد (Tabatabai, 2010).

یکی دیگر از کارکردهای دیپلماسی عمومی این است که یکی از ابزارهای قدرت نرم می‌باشد که مهم‌ترین هدف آن تاثیرگذاری بر رفتار سایر دولتها است. نای معتقد است که ایالات متحده آمریکا تنها به خاطر قدرت اقتصادی و نظامی، قوی‌ترین کشور جهان نیست، بلکه این امر به خاطر بعد سومی است که قدرت نرم نام دارد. از دیدگاه وی، قدرت نرم توانایی به دست آوردن آنچه مورد نظر است از طریق جذابیت و نه اجبار و تطمیع و رشوه تعریف می‌شود. در واقع، مفهوم قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ و تاثیرگذاری در رفتار دیگران برای گرفتن نتیجه مطلوب تلقی می‌شود و راه‌های مهم آن برای تاثیرگذاری شامل متقاعد کردن از طریق جذابیت می‌باشد. و منابع قدرت نرم سرمایه‌هایی هستند که توانایی ایجاد جذابیت را می‌آفرینند و عبارتند از فرهنگ، ارزش‌های بنیادین و سیاست‌ها.

بین‌المللی سازی آموزش عالی در چارچوب دیپلماسی عمومی؛ دریچه‌ای نوین برای سیاست خارجی

مقارن با فروپاشی نظام دوقطبی و همسو با دهه‌ها انتقاد مکاتبی چون فرانکفورت^۱، سازه‌انگاران اروپایی و آمریکایی^۲، فمینیسم‌ها^۳ و البته تجدیدگرایان و پسا ساختارگرایان^۴، انتقادات بیش از هر چیز متوجه عدول از نظم «چماق و هویچ» بود. ولی بیش از هر کس، نای به خوبی در ۱۹۹۰ نشان داد که ماهیت قدرت در حال تغییر است و تمایز واقعی شکل دقیق قدرت ناشی از جاذبه و توانایی بی‌نظیر آن است، گو آنکه قدرت نرم ماهیتی حدوداً نامیرا دارد (Nye, 1990). برخلاف نظم پیشین سیاست بین‌الملل، عرصه سیاست خارجی صرفاً بربنای دو مولفه‌ی نظامی و اقتصاد (با بازیگران سنتی) تعریف و عملیاتی نمی‌شود و فضای سیاست خارجی و نیز سیاستگذاری عمومی براساس عناصر جدیدی از

^۱- Frankfurt

^۲- European and American constructivists

^۳- Feminists

^۴- Post-Structuralists



قدرت مفصل‌بندی شده است. بر مبنای دگرگونی مذکور، همه‌ی بازیگران اعم از قدرت‌های بزرگ، متوسط و خرد منطقه‌ای می‌توانند منافع متعدد خود را در نظم منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال کنند. در همین زمینه می‌توان به تحلیل پژوهشی با عنوان *آموزش به عنوان یک منبع قدرت نرم: یک بررسی سیستماتیک*^۱ که در آن جنبه‌های گوناگون آموزشی قدرت نرم به شکل سیستماتیک را بررسی کرده است، توجه داشت. نویسندگان با ارزیابی و تجزیه و تحلیل ۴۸ مقاله از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۲ به ارتباط آموزش عالی و قدرت نرم در کشورهای مختلف و اهمیت فزاینده آن در نظام بین‌الملل تأکید دارند و معتقدند که در جهان امروز بهره‌گیری از توانمندی آموزش عالی به عنوان ابزار قدرت نرم یک ضرورت و انتخاب اجتناب‌ناپذیر است و اغلب بازیگران بر مبنای چهارچوبی مشخص و طبق شرایط ضروری از آموزش به عنوان منبع قدرت نرم بهره می‌گیرند (Gauttam et al., 2024). بر همین مبنای، بازیگران تلاش دارند تا از آموزش و به ویژه نظام آموزش عالی خود برای ارتقای منافع ملی خود در نظام بین‌الملل بهره گیرند. برخی نیز پا را فراتر گذاشته و آموزش و مسائل مرتبط با آن را به مثابه معنای اصلی قدرت نرم دانسته و آن را مهم‌تر از دیگر عرصه‌ها می‌دانند که می‌توان در عرصه سیاست خارجی به ابزاری توانمند برای پیشبرد اهداف تبدیل شود. سیستم آموزش ملی موفق می‌تواند تصویری مطلوب و ماندگار ایجاد کرده و از این طریق قدرت نرم کشورها را افزایش دهد. این نکته بسیار اهمیت دارد که وقتی از آموزش عالی به عنوان ابزار قدرت نرم و سیاست خارجی بحث می‌شود، نتایج و سنجش دستاوردهای آن در بلندمدت قابل ارزیابی است و دستیابی به نتایج آن مستلزم صبر و بردباری است (Amirbek & Ydyrys, 2014).

دانشگاه و آموزش عالی ابزار مهمی از سیاست خارجی است. دانشگاه دولتی، دانشگاهی است که قادر به فراتر رفتن از منافع جزئی و همکاری در یک پروژه سراسری برای تنوع بخشیدن به نخبگان است و محیطی ایجاد می‌کند که در آن همه دیدگاه‌ها با یکدیگر بحث و گفتگو کنند (Brunner & Peña, 2011). به تاسی از هرناندرز و لویز^۲ می‌توان پذیرفت که روابط دوسویه [دیپلماتیک] بین جامعه و دانشگاه وجود دارد و همانگونه که استادان دانشگاهی نیز معتقدند می‌بایستی به دنبال ایجاد روابط افقی بین جوامع و دانشگاه باشیم، تا دانش برای هر دو فضا نقش‌آفرینی خود را ایفا کند (Rodriguez-Vargas & Collins, 2023). آموزش عالی در سطح بین‌المللی فقط آموزش نیست، بلکه یک تلاش و راهبرد ژئوپولیتیک است؛ زیرا مفهوم قدرت و ژئوپولیتیک متغیر و تسری‌یافته به حوزه دانشگاه است (Lee, 2021). با افزایش حس همدلی و حسن‌نیت میان دانشجویان و کشور میزبان، کارکرد آموزش بین‌المللی فقط در بعد بین‌المللی باقی نمی‌ماند، بلکه از طریق افزایش قدرت نرم کشور میزبان بر دیپلماسی شهروندی نیز تاثیرگذار است (Handa, 2022). تجربیات کشورها در زمینه بین‌المللی کردن آموزش عالی و کاربست آن در سیاست خارجی همواره یکسان نبوده است و با تعدیلاتی هموار بوده است. چنانچه در نمونه چین، نوعی از تجربه بومی‌سازی مفهوم غربی دانشگاه در آسیا-اقیانوسیه دیده می‌شود (Yang, 2013). بوگورودتسکا (Bogorodetska, 2020) به خوبی نشان می‌دهد که چگونه دانشگاه ورشو توانسته است با ارتقای جایگاه خود در بسیاری از کشورها در دیپلماسی عمومی این کشور نقش داشته باشد و تجربیات این کارگزار لهستانی چگونه می‌تواند رهنمودهای خود را برای اوکراین عملی سازد. ارس و محمد (Aras & Mohammed, 2019) نیز با ارتباط دادن سه عنصر سیاست‌های حاکم، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم به خوبی به نقش ترکیه در پذیرش‌های بورسیه تحصیلی به عنوان ابزاری برای ارتقاء جایگاه ترکیه نوین پرداخته‌اند. در همین راستا، برترین کشورهای میزبان دانشجویان جهان عمدتاً کشورهایی هستند که اولاً، از دهه‌ها پیش در این زمینه سرمایه‌گذاری کرده و ثانیاً، آن را به نحوی در دستگاه سیاست خارجی خود تثویز کرده‌اند. در جدول ۱، سهم و جایگاه کشورهای برتر -در سال ۲۰۲۰- میزبان دانشجویان جهان نمایش داده شده است:

^۱ - Education as a Soft Power Resorce: A Systematic Review

^۲ - Hernandez and Lopez



جدول ۱

برترین (سهام و جایگاه) کشورهای میزبان دانشجویان جهان در سال ۲۰۲۰

ایالات متحده	بریتانیا	کانادا	چین	استرالیا	فرانسه	روسیه	آلمان	ژاپن	اسپانیا	سایر کشورها
۲۱	۱۰	۹	۹	۸	۶	۶	۵	۴	۲	۲۰

برنامه‌های این کشورها برای میزبانی این کشورها شامل طیف متنوعی از اقدامات چندسویه می‌باشد و رابطه‌ی عمیقی بین سیاستمداران و نخبگان علمی وجود دارد. به عبارتی، آن‌ها به خوبی پذیرفته‌اند که برای نقش‌آفرینی در جهان در حال آشوب -به تعبیر جیمز روزنا- می‌بایستی مقدرات، هنجارها و ارزش‌های مطلوب خود را از طریق دانشگاه و با محوریت دستگاه دیپلماسی پیش می‌رود. در **جدول ۲** فهرست مهم‌ترین برنامه‌های بورسیه بین‌المللی عمده در مطالعات بررسی شده گوتام و همکاران آورده شده است:

جدول ۲

فهرست مهم‌ترین برنامه‌های بورسیه بین‌المللی عمده در مطالعات بررسی شده گوتام و همکاران

شماره	کشورها	مهم‌ترین برنامه‌های بورسیه بین‌المللی عمده
۱	آمریکا	بورسیه‌های تحقیقاتی فولبرایت-نهر و آموزش و تحصیلات نظامی بین‌المللی (I MET) ^۱
۲	بریتانیا	برنامه بورسیه و بورسیه مشترک المنافع (CSFP) ^۲ طرح‌های بورسیه تحصیلی مارشال بریتانیا و چونینگ ^۳ برنامه‌های ارasmus موندوس ^۴
۳	آلمان	سرویس تبادل علمی آلمان (DAAD) ^۵
۴	فرانسه	بورسیه‌های ایفل ^۶
۵	ژاپن	بورسیه تحصیلی MEXT ^۷
۶	استرالیا	جوایز رهبری استرالیا و جوایز تلاش ^۸
۷	چین	برنامه کمک‌های مالی محدود به آسیا ^۹ برنامه بورس تحصیلی دولت چین (شورای بورس تحصیلی چین) ^{۱۰}

می‌توان گفت که ایالات متحده پیشروترین کشور در زمینه بهره‌گیری از قدرت نرم در دوره‌ی جنگ سرد است. مروری بر سیاست‌های مبتنی بر قدرت نرم ایالات متحده در قبال اسپانیای اقتدارگرا در جنگ سرد به خوبی این موضوع را نشان می‌دهد. (Oscar & García, 2023). اقدامات دولتمردان آمریکایی برای بهره‌گیری بیشتر از قدرت نرم، بسیار قابل توجه است و مجموعه‌ای از سیاست‌ها و ملزومات در نظر گرفته می‌شود. همسویی مکملی بین دانشگاه‌های آمریکا و منافع راهبردی این کشور وجود دارد. در همین راستا، به تعبیر آپارسیدو و همکاران

^۱- Fulbright-Nehru Research Fellowships

^۲- International Military Education and Training

^۳- The Commonwealth Scholarship and Fellowship Plan

^۴- British Marshall and Chevening Scholarships schemes

^۵- Erasmus Mundus programs

^۶- Germany's Academic Exchange Service

^۷- Eiffel Scholarships

^۸- Australian Leadership Awards and Endeavour Awards

^۹- Asia Bound Grants Program

^{۱۰}- Chinese Government Scholarship Program (China Scholarship Council)



(Aparecido & Schettini, 2022) دانشگاه‌های آمریکا وضعیت سیاسی و اقتصادی کشورهایی را که برای تأسیس دفاتر خود انتخاب می‌کنند، دنبال می‌کنند و به آن توجه می‌کنند.

اهمیت آموزش عالی و نقش دانشگاه را می‌توان در دوران جدید نظم نوین بین‌الملل مشاهده کرد. از سال ۲۰۱۳، چین از طریق طرح معروف B&R^۱ به بخش‌های وسیعی از جهان گسترش یافته است و ۱۳۸ کشور آن را امضا کرده اند. در سال ۲۰۱۷، پروژه امضای رئیس جمهور شی جین پینگ^۲ در قانون اساسی چین گنجانده شد و توجه قابل توجهی به عنوان «پروژه قرن» به خود جلب کرد که نشان دهنده عزم سیاسی رئیس جمهور برای تضمین تداوم این پروژه بزرگ و نشان دادن آن به عنوان هدیه‌ای برای ملت - برای نسل‌های آینده است. چین این برنامه را در قالب چندجانبه، با وعده مزایای مشترک از طریق پروژه‌های اتصال جاده‌ای و دریایی، احیای جاده ابریشم باستانی و احیای روح تبادل تجاری، فرهنگی و دانشگاهی ارائه کرده است (Jain, 2020a, 2020b). جین^۳ در قدرت نرم و آموزش عالی چین در جنوب آسیا^۴ به بررسی قدرت نرم چین در حوزه آموزش عالی بین‌المللی در جنوب آسیا پرداخته است. این پژوهش در چهارچوب نظری قدرت نرم به نحوه استفاده‌ی بهینه چین از آموزش عالی به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع خود در جنوب آسیا بهره می‌برد. نویسنده با بررسی موردی کشور نپال - که اهمیت زیادی برای چین دارد - و استفاده از منابع آرشیوی و انجام مصاحبه با دانشگاهیان چین و نپال به مکانیسم‌ها و قدرت رو به رشد چین در این حوزه می‌پردازد و یک مدل برای نحوه اعمال قدرت نرم چین در این حوزه تحت ابتکار بزرگتر «یک کمربند، یک جاده» ارائه می‌دهد (Jain, 2020a, 2020b).

با این وجود، برخی مشکلات بر سر راه چین در همان ابتدا وجود داشت. مشکلاتی که بخشی از آن ناشی از اقتصاد، سیاست، اجتماع و نقش فرهنگ و دانشگاه‌های بزرگ چینی بود. برای نمونه در سال ۲۰۱۸ در کشور نپال^۵، برخی نخبگان مخالف رویکرد رهبران چین به ویژه در مساله اقتصاد و به طور ویژه کشاورزی بودند. در مقابل، دیدگاه‌های دانشجویان نپالی، تصویر متفاوت و مثبتی را نشان می‌دهد. دانشجویان فعلی یا قبلی که در برنامه‌های علوم اجتماعی در دانشگاه‌های چین ثبت‌نام کرده‌اند، هنگامی که از دانش‌شان درباره سیاست خارجی چین سؤال می‌شد، به‌طور برجسته به طرح بزرگ چین اشاره کردند. دانشجویان روابط بین‌الملل که با مفهوم قدرت نرم آشنا بودند، چگونگی ارتباط این طرح، قدرت نرم و آموزش عالی را توضیح دادند (Jain, 2020a, 2020b). این موضوع بدین مساله ختم نشد، بلکه با افزایش تعامل فارغ التحصیلان نپالی در چین، گرایش‌ها به سمت این کشور و البته تمجید از سیاست خارجی آن بالا گرفت و آن‌ها تحت تأثیر قدرت نرم و نظام آموزش عالی چین اقدام به ایجاد انجمن آرنیکو^۶ (انجمنی از متخصصان نپالی تحصیل کرده در چین) کردند. (Bhandari, 2017).

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلات بزرگ در زمینه ضعف نظام آموزش عالی در بسیاری از کشورها مانند ایران، عراق و برخی دیگر از کشورها، عدم اتصال و وفاق بین دانشگاه‌ها و دستگاه دیپلماسی است. همانطور که تریلوککار نیز همین مساله را در مورد چالش‌های سیاست خارجی کانادا در قیاس با دیگر کشورها عنوان می‌کند. وی بیان می‌دارد که، تغییرات در جهت‌گیری سیاست خارجی، علاوه بر ساختار فدرال کانادا، توسعه سیاست فدرال و هماهنگی در مورد مسائل مربوط به آموزش بین‌المللی را محدود کرده است. اما شاید مهم‌تر از همه، عدم حضور دانشگاهیان کانادایی در جوامع سیاست‌گذاری دولتی و شبکه‌های سیاست‌گذاری است که یکی از جدی‌ترین چالش‌ها برای بهبود روابط دانشگاه و دولت و توسعه سیاست قوی بین‌المللی‌سازی آموزش عالی کانادا می‌باشد (Trilokekar, 2009).

^۱- Belt and Road

^۲- Xi Jinping's

^۳- Jain

^۴- China's soft Power and Higher Education in South Asia

^۵- Nepal

^۶- Arniko: این نام از هنرمند نپالی، آرنیکو، «اولین سفیر فرهنگی نپال در چین» گرفته شده است (Bhandari, 2017).

نتیجه گیری

قدرت نرم، دارای کارگزاران و بازیگران رسمی و غیر رسمی متعددی می‌باشد و می‌توان ورزش، رسانه‌ها، نوع ساخت سیاسی، ارزش‌های کلان از مجرای فرهنگ، نظام آموزش عالی و دانشگاه و بسیاری دیگر را در ذیل آن برشمرد. در همین راستا، در پژوهش موضوع ظرفیت‌ها و توانایی‌های آموزش عالی کشور که می‌بایستی در محدوده اقدام و عمل دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی باشد، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش در چند سطح قابل ذکر است. نخست، بین‌المللی‌سازی آموزش عالی با هدف متمایل نمودن افکار عمومی در کشورهای هدف به اهداف و منافع ملی کشور مجری در چارچوب دیپلماسی عمومی، ظرفیت‌ها و توانایی‌های آموزش عالی کشور را در اختیار دستگاه سیاست خارجی و تحقق منافع ملی قرار می‌دهد. از مجرای عناصر شش گانه پذیرش و جذب دانشجو از سایر کشورها و خانواده‌های برخوردار، تجاری‌سازی آموزش و تحقیق، رقابت و افزایش اعتبار و جایگاه بین‌المللی، جذب نخبگان و مهاجرت سرمایه‌های انسانی و بازاریابی آموزش و تحقیق، می‌توان ضمن بین‌المللی‌سازی آموزش عالی با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای هدف در راستای اهداف و منافع کشور مجری در چارچوب دیپلماسی عمومی، ظرفیت‌ها و توانایی‌های آموزش عالی کشور را در اختیار دستگاه سیاست خارجی و تحقق منافع ملی قرار داد.

دوم، قدرت نرم امروزه به سه دلیل مهم با ماهیت کلاسیک آن در تمایز است. نخست آنکه، بازیگران رسمی و غیررسمی با عدول نظم بین‌الملل از حالت دوقطبی و یکجانبه‌گرایی و گرایش به جهان چندوجهی‌تر و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای، قدرت استقلال رفتاری بیشتری دارند و قدرت‌های کوچک منطقه‌ای نیز می‌تواند تا حدی بخشی از آمال و منافع ملی خود را پیش ببرند. دوم، ابزارهای و نوع محذورات و مقدرات بازیگران نیز به شکل عمیق و بزرگی متحول شده است و کارگزاران این عرصه عمدتاً شامل طیفی از دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و دیگر کارگزاران جدید می‌باشند. سوم، میزان پذیرش قدرت نرم برخلاف شکل سخت آن، برای نخبگان و حتی بسیاری از الیگارش‌ها نیز پذیرفته است؛ چرا که با انقلاب در ارتباطات جهانی و ورود جدی افکار عمومی به بخش قدرت دیگر نمی‌توان انتظار داشت که پروپاگانداهای بزرگ همیشه موفق باشند. برای نمونه، اگر به میراث شکست‌خورده و ویران هر دو جنگ جهانی در حال حاضر بنگریم، خواهیم دید که در هر دهه‌های متأخر نقش مستقلانه‌ای این بازیگران در عرصه قدرت نرم به ویژه از مجرای آموزش عالی و دانشگاه بسیار قابل توجه است و آن‌ها بیش از هر چیز در خدمت منافع ملی خود هستند. مطالعات مختلف در دانشگاه‌های آمریکا، ترکیه، چین، لهستان، کانادا و حتی کشورهای عربی مانند عربستان و قطر شکل منحصر به فردی از تلاقی قدرت نرم، دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی را نشان می‌دهند که با ساختار سازمانی با کیفیت تجلی منافع راهبردی و کلان خود هستند.

نهایتاً آنکه، دستاوردهای اغلب کشورهای مختلف رهنمون و هشدار برای سیاست خارجی و نظام آموزش عالی در ایران می‌باشد. تنزل اعتبار دانشگاه‌های مختلف ایران در قیاس با دیگر کشورها و رشد قارچ‌گونه بسیاری از دانشگاه‌های غیرمعتبر فقط مقدمه‌ای در مصائب نظام آموزش عالی در ایران است. گذشته از مهم‌ترین مساله در سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی ایران نهفته است، که بیش از هر چیز نه عمومی است و نه کارزار همه‌ی منافع ملی. در حالی که تمام توان کشور در مصاف با تحریم‌ها و شرق‌گرایی به سمت عراق، سوریه، یمن و بخش‌های دیگری از جهان غیرغرب کشیده شده است، نقش نظام آموزش عالی ایران نیز در دیگر کشورها مشاهده نمی‌شود و منصفانه باید گفت که، دستگاه سیاست خارجی چندان اعتنایی به قدرت نظام آموزش عالی ندارد. به درستی باید گفت که، قدرت نرم ایران بیش از هر چیز بر قرائت دیگری قرار گرفته است و اگر در بزنگاه کنونی، کارگرانی چون نظام آموزش عالی در سیاست خارجی سهمی نداشته باشند، بعید به نظر می‌رسد که بتوان در آینده بلندمدت نیز نتایج آن را جبران کرد.



پیشنهادها

بر مبنای یافته‌های پژوهش، نویسندگان سه مساله و رهنمون اصلی را برای نظام آموزش عالی کشور و دستگاه دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی ایران متذکر می‌شوند. نخست، با عنایت به قدرت فرهنگی و هویتی ایران در مناطق مختلف اعم از آسیای میانه و قفقاز، شبه قاره هند، آسیای صغیر و کشورهای مختلف اعم از افغانستان و پاکستان و فراتر از آن حتی در شمال آفریقا، می‌توان از نقش و قدرت نرم مذکور که بر بنای هویت تاریخی، زبانی و فرهنگی قرار گرفته است، نهایت بهره‌برداری را داشته باشد. واقعیت آنست که از مرزهای چین تا اندلس، هویت فرهنگی ایران دارای توانمندی‌های بسیاری است و بسنده کردن به یک سطح از قدرت، نمی‌تواند ما را در دستیابی به اهداف و منافع یاری برساند. هرگونه تعلل و از دست دادن فرصت‌ها در دنیایی که در آن رقابت بسیار فزاینده‌ای در قدرت نرم وجود دارد، منجر به تحمیل هزینه‌های بیشتر خواهد شد. در این زمینه، محذورات بسیاری وجود دارد و می‌بایستی با اتکاء بر تحول در اسنادفراستی و مذاقه بیشتر در دیپلماسی عمومی و جایگاه نظام آموزش عالی کشور، شتاب بیشتری صورت گیرد. دوم، لازمی بهره‌گیری از قدرت نرم به ویژه در ارتباط با نظام آموزش عالی مستلزم توجه به بخش‌های غیررسمی حاکمیت و استقلال بیشتر به دانشگاه‌ها و تعامل بیشتر نهادها و سازمان‌های عمده حاکمیتی است. برای نمونه، نهاد صدا و سیما می‌تواند نقش بسیار مهمی را ایفا کند. جدا از مواردی چون تولید محتوا و برنامه‌های مختلف برای جذب دانشجویان در استان‌های مختلف غربی، شرقی، شمال غرب و شمال شرق و دیگر مناطق، می‌توان با محور قراردادن افکار عمومی کشورهای همسایه در این راستا تلاش کرد. توان قدرت نرم ایران در این مسیر می‌تواند در استان‌هایی چون آذربایجان‌ها، کردستان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، گلستان، خراسان و غیره برای کشورهای همجوار باشد و این مهم در سطحی فراتر می‌تواند توسط رسانه‌های دیگر پیگیری شود. سوم، نظام آموزش عالی کشور برای نقش‌آفرینی نیازمند تعامل بیشتر کشور با نظام بین‌الملل و مرتفع شدن تحریم‌های متعدد چندلایه است و بدون برطرف شدن محذورات ناشی از مناسبات مالی، دانشگاه‌های کشور نمی‌تواند مقصد دانشجویان دیگر کشورها باشد. در این زمینه، دستگاه دیپلماسی می‌بایستی با حفظ ارزش‌های نظام و قانون اساسی، راهکارهای مختلف بسط مناسبات را پیگیری کند و دانشگاه‌ها را مناسبات موجود سهیم کند. لازم به ذکر است که نظام آموزش عالی کشور نیز همچنان در سه‌گانه‌ای بسیار پرمخاطره قرار گرفته است و رفع مشکلات در این زمینه نیازمند واریسی سریع و همه‌جانبه است. وجود برخی تمایزات و تفکیک‌های ظاهری ایجاد شده از سوی برخی نهادها منجر به تفارقت شدید بین دانشگاه‌های کشور شده است. جدا از تعدد شدید دانشگاه‌ها و کاهش منزلت دانشگاه و علم به نسبت دهه‌های گذشته، سه‌گانه دانشگاه‌های ارزشی و گزینش‌محور مانند دانشگاه امام صادق (ع)، امام حسین (ع) و غیره، دانشگاه‌های اصلی و سنتی مانند تهران، شیراز، فردوسی و غیره و دانشگاه‌های آزاد و پیام و نیز علمی کاربردی و غیر آن، منجر به نوعی تشتت نگاه و تنزل جایگاه دانشگاه در عرصه سیاست و اجتماع شده است. در صورتی که، بر طبق رهنمودهای مقام معظم رهبری و اسنادفراستی، نگاه به علم و دانش می‌بایستی براساس منافع ملی و اهداف کلان کشور باشد. بدیهی است که افزایش کیفیت دانشگاه‌های کشور میزان رقابت‌پذیری آن‌ها را در سطح منطقه‌ای - که از اهداف سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه‌گرای کشور است - افزایش خواهد داد. نهایتاً، تمام موارد مذکور، مستلزم توجه به این نکته است که بدون تغییر در نگاه‌ها و دگرگونی‌ها در آن‌ها به ویژه در مورد جایگاه نظام آموزش عالی، نمی‌توان به اهداف متصور دست یافت.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

- Adoui, A. (2023). *International Higher Education and the Rise of Soft Power as Cultural Diplomacy: A Comparative Study of Morocco and South Korea*. Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1007/978-3-031-44180-6>
- Altbach, P. (2004). Globalization and the university: Myths and realities in an unequal world. *Tertiary Education and Management*, 10(1), 3-25. <https://doi.org/10.1080/13583883.2004.9967114>
- Amirbek, A., & Ydyrys, K. (2014). Education and Soft Power: Analysis as an Instrument of Foreign Policy. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 514-516. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.07.423>
- Aparecido, J. K., & Schettini, D. C. D. (2022). Brazil's diplomacy and soft power attracting US universities' efforts in internationalization through an in-country physical presence. *Glob. Soc. Educ*, 1-15. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2405844023109443>
- Aras, B., & Mohammed, Z. (2019). The Turkish government scholarship program as a soft power tool. *Turk. Stud*, 20(3), 421-441. <https://doi.org/10.1080/14683849.2018.1502042>
- Armistead, L. (2004). *Information Operations: Warfare and the Hard Reality of Soft Power*. Brassy. <https://www.researchgate.net/publication/271088471>
- Axworthy, M. (2008). *A history of Iran: Empire of the mind*. Basic Books. <https://www.researchgate.net/publication/263579459>
- Bates, T. (2002). *Gramsci and the Theory of Hegemony*. Routledge. <https://jm919846758.files.wordpress.com/2018/08/gramsci-and-the-theory-of-hegemony-thomas-r-bates.pdf>
- Bhandari, B. (2017). China's cultural debt to a Nepalese artist in the 13th-century court of Kublai Khan. In.
- Bogorodetska, O. (2020). Promotion of university of Warsaw in the context of public diplomacy: an experience for Ukraine. *European Journal of Transformation Studies*, 8(1), 135-143. <https://czasopisma.bg.ug.edu.pl/index.php/journal-transformation/article/view/5002>
- Brunner, J. J., & Peña, C. (2011). La dialectica publico/privado entre el medioevo y la globalización. In *El conflicto de las universidades: entre lo público y lo privado* (pp. 9-61). Ediciones Universidad Diego Portales.
- Budd, J. M. (2009). *Higher education's purpose: Intellectual and social progress*. University Press of America. <https://www.abebooks.com/book-search/title/higher-educations-purpose-intellectual/author/budd-john/>
- Carr, E. H. (1964). *The Twenty Years Crisis, 1919-1939: An Introduction to the study of International Relations*. Harper & Row. <https://hostnezt.com/cssfiles/internationalrelations/Twenty%20Years%20Crisis%201919%201939%20an%20Introduction%20to%20the%20Study%20of%20International%20Relations%20By%20E%20H%20Carr.pdf>
- Eftekhari, A. (2009). *Soft Power and Social Capital*. Imam Sadiq University, Imam Hossein University, Faculty and Research Institute of the Great Prophet.
- Fraser, M. (2005). *Weapons of Mass Distraction: Soft Power & American's Empire*. Thomas Dunne Books. https://books.google.com/books/about/Weapons_of_Mass_Distraction.html?id=dQR_PYx08U0C
- Galbraith, J. K. (1982). *The Anatomy of Power*. Houghton Mifflin Harcourt. https://cooperative-individualism.org/galbraith-john-kenneth_the-anatomy-of-power-1983-jul-aug.pdf
- Gauttam, P., Singh, B., Singh, S., Lal Bika, S., & Tiwari, R. P. (2024). Education as a soft power resource: A systematic review. *Heliyon*, 10, 1-20. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e23736>
- Gonsh, A., & Melissen, J. (2005). Public Diplomacy: Improving Practice. In: Netherlands Institute of International Relations, Clingendael.
- Handa, S. (2022). *International Higher Education in Citizen Diplomacy*. Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-95308-9>
- Jain, R. (2020a). *China's Soft Power and Higher Education in South Asia: Rationale, Strategies, and Implications*. Routledge Press. <https://doi.org/10.4324/9780429326127>
- Jain, R. (2020b). Pitfalls or Windfalls in China's Belt and Road Economic Outreach? *Asian Survey*, 60(4), 685-709. <https://doi.org/10.1525/as.2020.60.4.685>
- Knight, J. (2022). *Knowledge Diplomacy in International Relations and Higher Education*. Springer Press. <https://doi.org/10.1007/978-3-031-14977-1>
- Lee, J. (2021). *U.S Power in International Higher Education*. Rutgers University Press. <https://doi.org/10.36019/9781978820814>
- Li, J. (2018). *Conceptualizing Soft Power of Higher Education: Globalization and Universities in China and the World*. Springer Press. <https://doi.org/10.1007/978-981-13-0641-9>
- Lomer, S. (2016). Soft Power as a Policy Rational for International Education in the U.K: A Critical Analysis. *Springer, High Educ*, 74, 581-598. <https://doi.org/10.1007/s10734-016-0060-6>
- Nye, J. J. S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. Public Affairs. <https://www.wcfia.harvard.edu/publications/soft-power-means-success-world-politics>
- Nye, J. J. S. (2005). Soft Power and Higher Education. In: Harvard University.
- Nye, J. J. S. (2008a). *Power in the Age of Information from Realism to Globalization*. Research Center for Strategic Studies. <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9780203507292/power-global-information-age-joseph-nye-jr>
- Nye, J. J. S. (2008b). *Soft Power as a Tool for Success in World Politics*. Imam Sadiq University, Basij Studies and Research Institute.
- Nye, J. S. (1990). The Changing Nature of World Power. *Polit. Sci. Q.*, 105(2), 177-192. <https://doi.org/10.2307/2151022>
- Oscar, J., & García, M. (2023). Soft Power, Modernization, and Security: US Educational Foreign Policy Toward Authoritarian Spain in the Cold War. *History of Education Quarterly*, 198-220. <https://doi.org/10.1017/heq.2023.5>
- Rodriguez-Vargas, L., & Collins, C. S. (2023). Comunidad y Universidad: Spaces of Decoloniality in Boricua Public Higher Education. *Journal of Comparative & International Higher Education*, 15(1), 76-92. <https://scholar.google.com/citations?user=qDdLkhcAAAAJ&hl=en>
- Tabatabai, A. (2010). Survey of Iran's Media Strategy. In.
- Trilokekar, R. D. (2009). International Education as Soft Power? The Contributions and Challenges of Canadian Foreign Policy to the Internationalization of Higher Education. *Springer, High Educ*, 59, 131-147. <https://doi.org/10.1007/s10734-009-9240-y>
- Trilokekar, R. D., & El Masry, H. (2022). The Nexus of Public Diplomacy, Soft Power, and National Security: A Comparative Study of International Education in the U.S. and Canada. *Journal of Comparative & International Higher Education*, 14(5), 111-133. <https://doi.org/10.32674/jcihe.v14i5.4987>



- Wu, H. (2021). *China's Outward-Oriented Higher Education Internationalization: A New Typology and Reflections from International Students*. Springer Press. <https://doi.org/10.1007/978-981-16-2558-9>
- Yang, R. (2013). Indigenizing the Western Concept of University: Chinese Experience. *Asia Pacific Education Review*, 14(1), 85-92. <https://doi.org/10.1007/s12564-013-9254-0>
- Yang, R. (2021). World-Class Universities in China's Heroic Past. *International Higher Education*, 107(3), 18-19. <https://dokumen.pub/the-chinese-idea-of-a-university-phoenix-reborn-9888754297-9789888754298.html>
- Yasushi, W., & McConnell, D. (2010). *Higher Education, Popular Culture and Soft Power: A Case Study of Japan and the United States*. Imam Sadegh University Publishing. <https://www.ssrc.org/publications/soft-power-superpowers-cultural-and-national-assets-of-japan-and-the-united-states/>